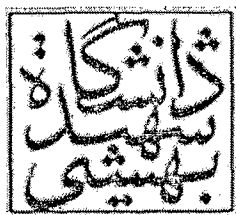


۸۷، ۱، ۱، ۲، ۸
۸۷، ۱، ۱



۱۰۷۸۲۹



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ ۸
ساله با تأکید بر مسئله ناسیونالیسم

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته مطالعات منطقه ای خاورمیانه

کتابخانه و اطلاع‌رسانی
دانشگاه شهید بهشتی
تهران

۸۶۷۷/۱۱۰۹ - ۹

توسط:

سمیه صالح نیا

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا تاجیک

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۰۶۸۲۹

تقدیم به پدر و مادر

برگ تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه : سیاست خارجی ایران در دوران جنگ ۸ ساله با تأکید بر مسئله ناسیونالیسم

نام دانشجو : سمیه صالح‌نیا

دوره : کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۱۴۱۷/۶/۲۷ با شماره ۱۸,۷۵ و درجه ۵۴ مورد تأیید

اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر محمد رضا تاجیک

استاد راهنما

امضاء

دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور

امضاء

دکتر محمد باقر حشمت‌زاده

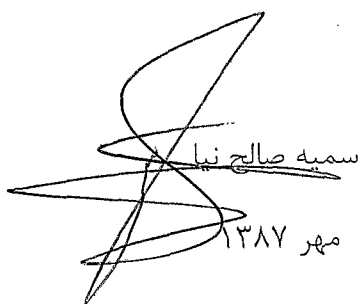
استاد مشاور

امضاء



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی بهمن ۱۳۸۶ تا شهریور ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. به استثنای کمک‌های مورد اشاره در سپاس‌گزاری، گردآوری محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.


سمیه صالح نیا
مهر ۱۳۸۷

امضاء

سپاس گزاری

نگارش و تدوین این مجموعه عملی بود که بی‌شک بدون مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی‌گردید. بر خود لازم می‌دانم که از برخی از این عزیزان قدردانی کنم:

جناب آقای دکتر محمدرضا تاجیک، استاد راهنما، که در طول نگارش این مجموعه با سخت‌گیری‌ها و دقت بجایشان، سکاندار شایسته‌ای در هدایت این پایان‌نامه بودند و در جمع‌آوری منابع و مآخذ مورد نیاز از هیچ کمکی فروگذار ننمودند.

جناب آقای دکتر منصور میراحمدی، استاد مشاور، که علاوه بر دوره نگارش پایان‌نامه در طول دوران تحصیل نیز نکات فراوانی از ایشان آموختم و همواره از نظرات کارشناسانه‌شان بهره‌جستم. سایه‌شان مستدام و خداوند حافظشان باد.

جناب آقای دکتر محمدباقر حشمت‌زاده، استاد داور، که از راهنمایی‌ها و نکته‌سنجی‌هایشان بهره‌بردم.

جناب آقای دکتر حاجی یوسفی، استاد محترم که همواره در طول دوران تحصیل از راهنمایی‌های بی‌دریغ و سرشار از محبت و لطف ایشان بهره‌مند گردیده‌ام.

جناب آقای دکتر اسدی که بسیار یاریم دادند و بسیار از محضرشان آموختم. و از کلیه اساتیدم که بزرگ‌ترین افتخارم، تلمذ در محضرشان در دوران تحصیل در دانشگاه شهید بهشتی بوده است.

از سرکار خانم مهین مرنندی، منشی محترم گروه علوم سیاسی به خاطر همه‌ی دلسوزی‌ها و زحمات بی‌شائبه‌شان سپاسگزارم.

همچنین از دوستان عزیز و گرامی خانم زال‌پور، خانم فاطمی امین، خانم حیدری، خانم عباداتی، خانم زمانی، و کلیه دوستان هم‌کلاسی و هم‌خوابگاهیم که بودن در کنارشان برایم افتخاری بس بزرگ بود و در طول دوران تحصیل اینجانب در دانشگاه شهید بهشتی همواره دوست و یار صمیمی من بودند؛ تقدیر و تشکر می‌کنم. و در نهایت از پدر و مادرم، خواهرم و برادرانم که همراهان بس‌صبور همواره‌ی زندگی‌م بوده‌اند سپاسگزارم. و سپاس و تقدیر فراوانم، نثار تمام آنان که پشت‌گرم بوده‌ام به حضورشان اما مجال آوردن نام تک‌تکشان در این مختصر نیست.

عنوان: سیاست خارجی ایران در دوران جنگ ۸ ساله با تأکید بر مسئله ناسیونالیسم

دانشجو: سمیه صالح‌نیا

استاد راهنما: دکتر محمدرضا تاجیک

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای (خاورمیانه و شمال آفریقا)

تاریخ ارائه: شهریورماه ۱۳۸۷

چکیده:

در این پایان‌نامه با استفاده از تئوری سازه‌انگاری اجتماعی، به بررسی نقش ناسیونالیسم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره جنگ تحمیلی پرداخته شده است. ابتدا در دو فصل نخست به کلیات طرح پایان‌نامه و سپس به تئوری سازه‌انگاری اجتماعی و عناصری از آن، که در بررسی مسئله پژوهش کاربرد دارد، پرداخته شده است. در فصل سوم مهم‌ترین عناصر مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی مورد مطالعه قرار گرفته و فصل چهارم به گفتمان‌های ملی‌گرای قبل از انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازد. و بالاخره در فصل پنجم که قسمت اصلی پایان‌نامه را شامل می‌شود تعامل و تقابل‌های گفتمانی پس از انقلاب و تأثیرات ملی‌گرایی بر سیاست خارجی با استفاده از برخی از شواهد و وقایع، در دوران حساس جنگ تحمیلی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: سازه‌انگاری، ملی‌گرایی، جنگ تحمیلی، سیاست خارجی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات.....	۱-۲۰
فصل دوم: چهارچوب نظری سیاست خارجی.	
سیاست خارجی در چهارچوب نظریه سازه‌انگاری اجتماعی.....	۲۱-۲۳
رابطه ساختار و کارگزار در نظریه سازه‌انگاری اجتماعی.....	۲۳-۲۴
هویت و سیاست خارجی (تحلیلی سازه‌انگارانه).....	۲۴-۳۶
نتیجه‌گیری.....	۳۶-۴۰
منابع.....	۴۰-۴۲
فصل سوم: ناسیونالیسم و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی	
مقدمه.....	۴۳-۴۴
ژئوپلیتیک و سیاست خارجی.....	۴۴-۴۸
ژئوپلیتیک ایران و سیاست خارجی.....	۴۸-۵۲
تاریخ ایران و سیاست خارجی.....	۵۲-۵۴
فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی.....	۵۵-۵۷
نقش ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی در سیاست خارجی ایران.....	۵۷-۶۱
فرهنگ سیاسی ایرانیان و منابع آن.....	۶۱-۷۰
تعامل و تقابل عناصر ملی و مذهبی در فرهنگ سیاسی ایرانیان.....	۷۰-۷۷
سیستم بین‌الملل و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.....	۷۷-۷۸
ایران، نظام بین‌الملل و نظم‌های منطقه‌ای در دوران جنگ تحمیلی.....	۷۹-۸۰
شخصیت رهبری و نخبگان سیاسی تصمیم‌گیرنده.....	۸۱-۸۴
تأثیر نقش رهبری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۸۵
ناسیونالیسم، هویت ملی و سیاست خارجی.....	۸۵-۸۷

نتیجه گیری.....	۸۷-۸۸
منابع.....	۸۹-۹۱
فصل چهارم: گفتمان‌های ناسیونالیستی در ایران قبل از انقلاب	
مقدمه.....	۹۲-۹۴
ناسیونالیسم ایرانی به عنوان یک جنبش اجتماعی.....	۹۵
ناسیونالیسم در ایران (هویت ملی یا ملی‌گرایی).....	۹۵-۱۰۲
جنبش‌های ملی‌گرایانه قبل از انقلاب اسلامی.....	۱۰۲-۱۰۴
انقلاب مشروطه.....	۱۰۴
نیروهای مؤثر بر انقلاب مشروطه.....	۱۰۴-۱۰۵
نقش روحانیت و گروه‌های مذهبی در انقلاب مشروطه.....	۱۱۰-۱۱۴
ملیت و ملی‌گرایی در انقلاب مشروطه.....	۱۱۴-۱۱۵
تلاش رضا شاه برای استفاده از ناسیونالیسم در جهت تضعیف مذهب و حرکت به سوی مدرنیزاسیون.....	۱۱۵-۱۱۸
نقش روحانیت.....	۱۱۸-۱۱۹
جنبش ملی‌کردن صنعت نفت ۱۹۵۱-۱۹۵۳ م / ۱۳۳۰-۱۳۳۲ ش.....	۱۲۰-۱۲۴
نقش مردم در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت.....	۱۲۴-۱۲۸
نقش روحانیت در جنبش ملی‌کردن صنعت نفت.....	۱۲۸-۱۳۰
درگیری با مصدق بر سر لایحه اختیارات.....	۱۳۰-۱۳۲
ملی‌گرایان و مذهبیون پس از کودتای ۲۸ مرداد.....	۱۳۲-۱۳۷
نتیجه‌گیری.....	۱۳۸-۱۳۹
منابع.....	۱۴۰-۱۴۳
فصل پنجم: تأثیر ملی‌گرایی بر سیاست فصل خارجی ایران پس از انقلاب	
مقدمه.....	۱۴۴

گفتمان‌های اثرگذار بر سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی.....	۱۴۴-۱۵۷
سیاست‌های اعلانی و سیاست‌های اعمالی.....	۱۵۷-۱۵۹
بخش دوم: سیاست خارجی ایران دوران جنگ تحمیلی.....	۱۵۹-۱۶۵
امام خمینی و ملی‌گرایی.....	۱۶۶-۱۶۷
مخالفت امام خمینی با ملی‌گرایی.....	۱۶۸-۱۶۹
مخالفت با گروه‌های ملی و تجربه تاریخی اختلاف بین اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان.....	۱۶۹-۱۷۲
اقلیت‌های قومی و جنگ تحمیلی.....	۱۷۲-۱۷۸
نتیجه‌گیری فصل پنجم.....	۱۷۹-۱۸۰
منابع.....	۱۸۱-۱۸۲
نتیجه‌گیری.....	۱۸۳-۲۰۷
فهرست منابع.....	۱۹۸-۲۰۷

فصل اول:

کلیات

الف) طرح موضوع:

سیاست خارجی کشورها و عوامل تعیین کننده یا تأثیرگذار بر آنها یکی از مهم ترین مباحث علوم سیاسی و روابط بین الملل است. سیاست خارجی در واقع به معنای استراتژی هایی که کشورها در عرصه بین الملل برای نیل به اهداف خود اتخاذ می کنند، در حیات و ملمات هر کشوری نقش دارد و از این رو مطالعه آن می تواند برای محققان جالب باشد و نیز امری حیاتی برای سیاستمداران تلقی می شود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مطرح و قدرت منطقه ای در خاورمیانه که از میزان تأثیرگذاری زیادی در حوادث و تحولات منطقه برخوردار است از ابتدای تأسیس در سال ۱۳۵۷ تا کنون مورد بررسی پژوهشگران مختلف قرار گرفته است. و تفاسیر گوناگون و گاه خارج از چهارچوب بی طرفی علمی در این حوزه صورت گرفته است. برخی از تفاسیر به سمت تضعیف و اتهام بی اساس گرویده و در بعضی نیز، توجیه و تمجید غیر علمی ملاک عمل قرار گرفته است، امری که حداقل در عرصه علم و در محافل آکادمیک پذیرفته شده نیست.

یکی از مهم ترین مباحث در سیاست خارجی ایران که در آن بسیار قلم فرسایی شده (و بسیاری را نظر بر آن است که از عوامل مؤثر در حمله عراق به ایران بوده) مبحث صدور انقلاب اسلامی است. از سویی برخی گفتمان های مطرح در اوایل انقلاب در غالب نظریه "ام القری" و... بر لزوم صدور انقلاب و حمایت از جنبش های آزادیبخش تأکید داشتند و این نگرش دست آویزی شد برای گروهی که در تلاش بودند دولت های دیگر به خصوص دولت های منطقه را از قدرت گرفتن یک حکومت شیعی در ایران بترسانند و از سوی دیگر گفتمان گروه های ملی گرا را داریم که معتقد به خدمت به ایران از طریق اسلام بود. گفتمان میانی این دو، گفتمان خاص امام خمینی است که اگر چه معتقد به خدمت به اسلام از طریق ایران بود، ولی در عین حال در مورد صدور انقلاب اسلامی بر خلاف برخی گروه های تندرو داخلی و برخی

نگرش‌های جهانی که لازمهٔ صدور انقلاب را برخورد سخت‌افزارانه می‌دانستند به صدور معنوی انقلاب از طریق آگاه نمودن مستضعفین جهان تأکید دارد در این رابطه ایشان می‌فرماید: «ما می‌گوییم انقلاب [را] می‌خواهیم صادر کنیم، می‌خواهیم این راه، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که پیدا شده را صادر کنیم.»^۱ (البته باید خاطر نشان نمود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ایدهٔ صدور انقلاب را نمی‌توان به جملاتی از امام خمینی تقلیل داد و طیف‌های مختلف سیاسی پس از انقلاب اسلامی در این مورد مواضع و نظرات متفاوتی داشته‌اند.)^۱

بسیاری از نظریه‌پردازان داخلی و خارجی این نکته یعنی مبحث صدور انقلاب و جهانی اندیشیدن رهبران انقلاب را در تقابل با ملی‌گرایی دانسته‌اند و حتی برخی از گفتمان‌های موجود از ابتدای انقلاب به انکار نقش ناسیونالیسم در سیاست خارجی پرداخته و آن را منافی نگرش جهانی اسلام دانسته‌اند. جمهوری اسلامی ایران کشوری است با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به سرزمین اسلام) به عبارت دیگر، در اینجا هم منطق دولت-ملت و هم منطق دین با به عبارتی ایدئولوژی حائز اهمیت است. ایجاد نوعی موازنه میان این دو منطق که در برخی موارد متناقض می‌نماید، وظیفه‌ای بسیار دشوار بر دوش سیاست‌گذاران ایران به ویژه در عرصهٔ سیاست خارجی نهاده است.

باید خاطر نشان نمود که گرچه در عرصهٔ اندیشه و نظر و در چهارچوب ایدئولوژی از جهانی اندیشیدن سخن می‌رود اما در عرصهٔ عمل و در جهانی که دولت‌های ملی حاکمند این گونه اندیشه‌ها، در عرصه روابط بین الملل دشمن‌تراشی و در داخل مانعی در جهت ایجاد انسجام ملی می‌شود. اگرچه سعادت همه ملت‌های جهان در نتیجه ظهور منجی از اصول بنیادین مذهب تشیع است، ولی در افتادن با تمام حکومت‌ها و دولت‌هایی که در قاموس ما جائر هستند

^۱ ذکر نظر امام خمینی در این بخش جهت تأکید بر این مسئله است که تنها، موضع جمهوری اسلامی صرفاً سخت‌افزارانه و تهاجمی نبوده در حالی که ترس حکام منطقه از صدور انقلاب و حمایت آنان از صدام در طول دوران جنگ تحمیلی بیشتر به خاطر ترس از صدور فیزیکی انقلاب و در پاسخ به برخی تحرکات فیزیکی در منطقه که به ایران نسبت داده شد، بوده است.

نه تنها استثماری را نابود نخواهد کرد بلکه مداخلات و فشارهای خارجی عملی نمودن بسیاری از اهداف والای ایدئولوژیک را نیز دچار خلل خواهد نمود ضمن اینکه اعتقاد به الگو بودن ملت ایران برای سایر ملل جهان خود نوعی ملی‌گرایی و پایه‌ای برای تقویت احساسات ملی ایرانی‌هاست. البته اقتضای بسیاری از انقلاب‌های جهان شعارهای آرمان‌گرایانه و انقلابی است که به مرور نگرش‌های پراگماتیستی، آن را تعدیل می‌نماید. انکار اندیشه‌ها و آرمان‌های ناب شیعی و نقش عامل مذهب و اندیشه‌های مذهبی را که از اصول غیرقابل انکار در سیاست خارجی و جامعه کاملاً مذهبی ایران در کل پهنه تاریخ و جامعه شیعی پس از صفویه می‌باشد، غیرمنصفانه است و ما را از عرصه بی طرفی علمی به دور می‌نماید و این امر مطمع‌نظر نیست.

از جمله موارد دیگر که باز مورد تفسیر و تأویل‌های مختلف قرار گرفته مسئله عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در این پایان‌نامه، قصد داریم به بررسی یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، یعنی ناسیونالیسم، از منظری سازه‌نگارانه، بپردازیم.

ضرورت‌های محیطی به تدریج موجب شد تا دولت جمهوری اسلامی به اهمیت این وظیفه پی ببرد که باید میان منطق ملی و فراملی به نوعی موازنه برقرار نماید. چنین درکی عمدتاً از طریق محدودیت‌هایی که محیط به وجود آورده بود، قابل فهم است.^۲

در میان عوامل مختلفی چون اسلام و مذهب تشیع، ژئوپلتیک، قومیت‌ها، اقتصاد، نظام بین‌الملل و شخصیت رهبرانی چون امام خمینی (ره) و نقش گفتمان‌های مختلف مطرح در هر دوره، ما قصد داریم، به بررسی نقش عامل ناسیونالیسم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دوره جنگ تحمیلی ۸ ساله به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی بپردازیم و با بررسی ادبیات موجود، سیاست‌های اعلامی و اعمالی سیاست‌گذاران و سیر تاریخی حوادث، ببینیم که اولاً آیا ناسیونالیسم بر سیاست خارجی این دوره مؤثر بوده است؟ و

در صورت تأثیرگذاری چه نوع ناسیونالیسمی، چگونه تأثیراتی بر سیاست خارجی ما داشته است؟

در این ارتباط در ابتدا باید به این مسئله توجه نمود که ناسیونالیسم، از جمله عناصری است که در دوره‌های مختلف تاریخی ایران از مشروطیت تا کنون از میزان تعیین‌کنندگی بالایی در سیاست خارجی برخوردار بوده، گاه به عنوان متغییری مستقل به هدایت سیاست خارجی پرداخته و گاه در اثر اعمال سیاست خارجی خاصی به عنوان متغییر وابسته سر برآورده و جریان سیاست خارجی را متحول نموده است. در برخی موارد دولت‌مردان در صدد استفاده از آن برای ترفیع جایگاه خود و یا حفظ تمامیت ارضی بر آمده‌اند و شاهد تحریک ناسیونالیسم از بالا بوده‌ایم و گاه نیز، در کنار مذهب به عنوان اهرم محرکه‌ای در مخالفت با سیاست‌های دولت از سوی روشنفکران ملی‌گرا و یا مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است.

در هر صورت، در فصول مختلف تحقیق به بررسی میزان تأثیرگذاری این عامل در سیاست خارجی ایران می‌پردازیم. در فصل اول چهارچوب تحلیلی را که برگزیده شده همراه با دلایل انتخاب این چهارچوب مطالعه خواهیم کرد. فصل دوم را پس از طرح مباحث کلی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی به طور عام و سیاست خارجی ایران به طور خاص اختصاص می‌دهیم، و در فصل سوم به اختصار به بررسی نقش عامل ناسیونالیسم بر سیاست خارجی ایران در طول دوره‌های مختلف از مشروطیت تا کنون می‌پردازیم. در این بخش گفتمان‌های حاکم در عصر مشروطیت، تلاش رضا شاه در جهت استفاده از ملی‌گرایی و یا ناسیونالیسم ایرانی برای سکیولاریزه کردن ایران، نهضت ملی شدن صنعت نفت، و تداوم ناسیونالیسم در قالب احزاب ملی‌گرا در فاصله زمانی کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی، می‌پردازیم و بخش چهارم را به ناسیونالیسم و نقش آن در تحولات انقلابی تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن به خصوص

جنگ تحمیلی با مطالعه گفتمان‌های موجود در این دوره، سیاست خارجی و میزان تأثیر نگرش‌های ملی‌گرایانه بر سیاست خارجی ایران خواهیم پرداخت.

(ب) سابقه تحقیق و بررسی ادبیات موجود:

سیاست خارجی ایران به خصوص از انقلاب به این سو بیشتر به خاطر شیوه متفاوت و تأثیری که بسیاری اوقات بر روند تحولات جهانی و منطقه‌ای گذاشته است، از سوی اندیشمندان و محققان ایرانی و خارجی بسیاری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و هر یک وجه خاصی از آن را بررسی نموده‌اند. اما اکثر نویسندگان را نظر بر این است تنها محور هادی سیاست خارجی ایران محور ایدئولوژی اسلامی با نگاهی انترناسیونالیستی است و ناسیونالیسم در آن جایگاهی ندارد.

متون خارجی نیز بیشتر با محور قرار دادن این مؤلفه به بررسی سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند و کمتر به انگیزه‌ها و نگرش‌های ملی مؤثر بر سیاست خارجی توجه نموده‌اند. در بررسی منابع انگلیسی موجود، تنها در برخی از مقالات به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته شده است.

در بررسی منابع فارسی نیز که به صورت موردی به موضوع تأثیر ناسیونالیسم بر سیاست خارجی دوره جنگ پرداخته باشد، برنخوردیم. تنها برخی از منابع اشاراتی نقادانه به موضوع هویت چندگانه ایرانی متشکل از مؤلفه‌های ملی و مذهبی پرداخته‌اند که به اختصار به برخی از آنها در زیر اشاره شده است.

1. Parsi, Trita, *Iran's Relations with the Arab Monarchies of the Persian Gulf*, Sprig 1999.

نویسنده در این کتاب سیر تحول روابط بین اعراب و ایران را بررسی نموده و با برشمردن برخی خصالت‌های ملی ایرانیان و اعراب، سیاست خارجی ایران پس از انقلاب و سوءبرداشت‌هایی را که

منجر به جنگ تحمیلی شد، رویکرد سیاست خارجی ایران را بیشتر مبتنی بر نگاه به درون می‌داند.

2. Zubaida, Sami, *Islam and Nationalism: Continuities and Contradictions*, *Nations and Nationalism* 10 (4), 2004, 407-420.

نویسنده در این مقاله به مطالعه تطورات ناسیونالیسم در کشورهای خاورمیانه از ابتدا، (دوران امپراطوری و جنبش‌های استقلال)، تا کنون و رابطه این جنبش‌ها با اسلام پرداخته است و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در برخی از کشورهای خاورمیانه، از جمله مصر، ترکیه و ایران، نگاه درون سرزمینی بر نگاه برون و فراسرزمینی غالب است.

3. Houghton, David Patrick *Reinvigorating the Study of Foreign Policy Decision Making: Toward a Constructivist Approach*, *Foreign Policy Analysis* (2007) 3, 24-45

این مقاله بیشتر در تعیین چهارچوب تحلیل سیاست خارجی پایان‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. نویسنده سیاست خارجی را از نگاه سازه‌انگارانه مورد بررسی قرار می‌دهد. و تحلیل سازه‌انگارانه سیاست خارجی را روشی برای ایجاد ارتباط بین دو حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌داند.

4. Katouzian Homyoun, *Nationalist Trends in Iran, 1921-1929*, *International Journal of Middle East Studies*, Vol 10, (NOV 1979), pp533-551, Cambridge University Press.

نویسنده در این کتاب به بررسی حرکت‌های ناسیونالیستی از جمله قیام جنگل، مخالفت‌ها با قرارداد ۱۹۱۹ و حتی متون ادبی که در مدح ناسیونالیسم نوشته شده است پرداخته و برخی علل اجتماعی و فرهنگی بروز حرکت‌های ناسیونالیستی در این دوره از تاریخ ایران را بررسی می‌نماید.

5. Cottam, Richard , *Nationalism and the Non Moslem Minorities*, 1978

نویسنده در این کتاب ایجاد نوعی احساس یگانگی و اشتراک منافع در داخل را لازمه شکل‌گیری ناسیونالیسم در داخل می‌داند و معتقد است چون در ایران تنها چنین وحدت و اشتراکی بین شیعیان امکان‌پذیر است و نوع خاص سیاست خارجی چنین امری را دشوار ساخته است. از سوی دیگر سیاست خارجی ایران با همسایگانش را نیز روابط یک کشور شیعی در مقابل اکثریت کشورهای سنی نشین ارزیابی می‌کند که دارای اختلافات با ریشه‌های عمیق تاریخی هستند. تعیین نام قادسیه دیگر برای جنگ ایران و عراق توسط صدام را نیز نشانی از تداوم این اختلافات می‌داند.

۶. عشقی، لیلی زمانی غیر از زمان‌ها، (امام، شیعه، ایران) ترجمه نقیب‌زاده، احمد، تهران، مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۷۹.

محور اصلی بحث این کتاب هویت شیعی در ایران است و تلاش دارد عدم تناقض هویت مذهبی و شیعی ایرانی را با هویت ملی اسلامی با تأکید بر شواهد و مدارک و استناد به تاریخ ایران نشان دهد.

۶. احمدی، حمید، ایران، هویت، ملیت، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳. این کتاب که توسط مؤسسه تحقیقات علوم انسانی، در دو بخش و ۵۳۱ صفحه منتشر شده است، دو فصل از این کتاب که بیشتر مورد استناد قرار گرفته، بخش هویت، تاریخ و روایت، تألیف دکتر جهانگیر معینی علمداری است و بخش دین و ملیت در ایران: همیاری و کشمکش، که به بررسی مولفه‌های هویتی ایرانیان و همچنین رابطه دین و مذهب در ایران می‌پردازد.

۷. نخعی، هادی، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.

محور اصلی کتاب مطالعه نقش ملاحظات ملی و فراملی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب و لزوم ایجاد موازنه بین این دو منطبق است. وی سیاست خارجی اوایل انقلاب را مبتنی بر غلبه

منطق فراملی می‌داند که در سال‌های پس از رحلت امام بیشتر به سمت منطق ملی گرایش پیدا کرده است.

۸. کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه، احمد تدین، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۱.

ریچارد کاتم به عنوان یک نویسنده غیر ایرانی به شکلی بسیار عمیق و موشکافانه به شکل‌گیری ناسیونالیسم در ایران، عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر این مهم، نقش طبقات مختلف اجتماعی در حرکت‌های ناسیونالیستی ایران و خصلت‌های هویت ملی ایران می‌پردازد. نکته مهم اینکه وی ناسیونالیسم ایرانی را به دلیل امتزاج با مذهب، از ناسیونالیسم سکولار غربی متمایز می‌سازد.

۹. رجایی، فرهنگ، معرکه جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، شرکت

انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۷۳.

این کتاب نیز با نگاهی به عناصر مؤثر بر سیاست خارجی ایران (عناصر مبتنی بر منافع ملی و عناصر برگرفته از منطق ایدئولوژیک و فراملی)، فهم گرایشات متنوع در روند سیاست خارجی را مستلزم فهم پویایی تحولات سیاست داخل کشور می‌داند.

۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، مؤسسه انتشارات روزنامه ایران، تهران، ۱۳۸۴. و

۱۱. ازغندی، علیرضا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس، چاپ اول،

۱۳۸۱.

این دو منبع به بررسی مهم‌ترین گفتمان‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری در ایران می‌پردازند و در بررسی تأثیر روندهای گفتمانی بر اتخاذ مواضع سیاسی در ایران مورد استناد قرار گرفت.

سؤال اصلی:

آیا ناسیونالیسم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی تأثیر گذار بوده است؟ و در صورت اثرگذاری چگونه سیاست خارجی را متأثر نموده است؟

سئوالات فرعی:

۱. مطابق ادبیات موجود سیاست خارجی، ناسیونالیسم چگونه بر سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد؟

۲. مطابق ادبیات موجود سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی) ناسیونالیسم چگونه بر سیاست خارجی ایران تأثیر گذاشته است؟

۳. دیدگاه انقلاب اسلامی و رهبران آن به‌ویژه امام خمینی در مورد ناسیونالیسم از یک سو و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهور اسلامی چیست؟

۴. جنگ تحمیلی چگونه تأثیر ناسیونالیسم بر سیاست خارجی کشور را شفاف‌تر ساخته و چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران داشته است؟

مفروضات:

۱. ناسیونالیسم به عنوان عامل اصلی شکل‌گیری دولت‌ملت مدرن، تضمین‌کننده توجه به منافع ملی از مسائل اساسی مورد توجه در سیاست‌گذاری خارجی همه کشورها به ویژه کشورهای خاورمیانه است؟

۲. دهه ۱۹۸۰ (به خصوص دوران جنگ تحمیلی)، مهم‌ترین دوره در پایه‌ریزی سیاست خارجی ایران برای دوره‌های بعدی است.